

نقد و بررسی آرای مفسران پیرامون واژه «منافع» (در آیه ۲۸ سوره حج)

علیرضا شیرزاد^۱

چکیده

این پژوهش با هدف تبیین و بررسی آرای مفسران درباره واژه «منافع» در آیه ۲۸ سوره حج و نیز نقد آرای تفسیری انجام شده است. به همین منظور با روش توصیفی - تحلیلی کتب تفسیری شیعه و اهل سنت و نیز کتب روایی شیعه را بررسی، و آرای تفسیری درباره این آیه و روایات ذیل آن را استخراج، و سپس تحلیل و نقد کرده ایم. یافته های پژوهش نشان می دهد منافع به معنای هر نوع منفعت دنیوی و اخروی است که فرد را به خیر یا مطلوب خود می رساند. همچنین برخی مفسران منفعت در این آیه را منفعت دنیوی، برخی منفعت اخروی، و برخی دیگر اعم از دنیوی و اخروی دانسته اند که دلیل ادبی و روایی قول شمولیت را ترجیح می دهد. همچنین با دلایلی همچون اختصاص، تکثیر، تعظیم و تعمیم می توان نکره آمدن این واژه را توجیه کرد. مصادیق این واژه از دیگر نکات تفسیری این واژه است که رضوان و غفران الهی مصادیق منافع اخروی است و تجارت و رفع حاجت مردم مصادیق منافع دنیوی.

کلیدواژگان: حج، منافع حج، تفسیر قرآن، مفسران، منافع دنیوی و اخروی.

مقدمه

از عظیم‌ترین فرایض الهی، که البته برگزاری آن سازوکار عظیمی می‌طلبد، فریضه حج است. این فریضه عبادی، علاوه بر پاداش اخروی فراوانی که برای آن ذکر شده، آثار دنیوی متعددی دارد.

امروزه ظرفیت‌های عظیم حج با توجه به اجتماع مسلمانان از سراسر جهان ظرفیتی است که کمتر به آن پرداخته شده و علاوه بر رفع مشکلات مسلمانان و همبستگی‌های سیاسی می‌تواند آثار مثبت اقتصادی نیز برای مسلمانان جهان، خصوصاً مسلمانان فقیر، داشته باشد. در قرآن کریم به این امر تنها اشاره‌ای شده است؛ اما احادیث تفسیری و مفسران به تفصیل به آن پرداخته‌اند:

﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ * لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ عَلَى مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَاكْلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ﴾. (حج، ۲۸-۲۷)

و مردم را دعوت عمومی به حج کن تا پیاده و سواره بر مرکب‌های لاغرا از هر راه دوری به سوی تو بیایند تا شاهد منافع گوناگون خویش [در این برنامه حیات بخش] باشند و در ایام معینی نام خدا را بر چهارپایانی که به آنان داده است [هنگام قربانی کردن] ببرند. پس، از گوشت آنها بخورید و بینوای فقیر را نیز اطعام نمایید.

با توجه به ضرورت استفاده از ظرفیت‌های حج، خصوصاً ظرفیت‌های اجتماعی و اقتصادی، توجه به مبانی قرآنی و روایی آن پیش از هر اقدامی مهم خواهد بود. به همین منظور ابتدا واژه «منافع» در کتب لغوی مفهوم‌شناسی شده و سپس آرای مفسران درباره آن بررسی و در پایان به ابعاد مصداقی و گستره‌ای آن اشاره شده است.

مفهوم‌شناسی واژه «منافع»

به منظور شناخت ابعاد و مؤلفه‌های لغات قرآن کریم لازم است به کتب لغوی نزدیک

به عصر صدور مراجعه، و آرای لغویون درباره آن را بررسی کرد.

ذکر این نکته لازم است که خداوند متعال سخن خویش را بر اساس لغات موجود در زمان نزول بیان کرده است. بدون تردید پروردگار حکیم از لغات قرآن معانی ای اراده نکرده که عرب آن زمان از فهم آن عاجز باشد. در نتیجه یکی از راه‌های فهم لغات قرآن مراجعه به کتب لغوی است که فهم بیشتری از کلام الهی به ارمغان خواهد آورد.

لغت‌شناسان برای ریشه «ن ف ع» و مشتقات آن تعاریفی بیان کرده‌اند که البته از دیگر لغات تعدد کمتری دارد؛ شاید به این دلیل که بخشی از لغت‌شناسان معنای این واژه را روشن دانسته‌اند.

فراهیدی و ابن فارس معنای آن را «ضد ضرر» دانسته‌اند.^۱ (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۱۵۸؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۴۶۳) راغب اصفهانی نیز «آنچه انسان را در رسیدن خیرات یاری می‌رساند»^۲ (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۶۹) و فیومی «آنچه انسان به وسیله آن به مطلوبش می‌رسد» را تعریف این واژه دانسته‌اند.^۳ (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۶۱۸) در نهایت مصطفوی، لغت‌شناس معاصر، پس از بررسی تعاریف لغت‌شناسان به این نتیجه رسیده است که این واژه به معنای خیری است که برای هر چیزی حاصل می‌شود؛ چه انسان و چه غیر انسان، و چه این خیر مادی باشد و چه معنوی.^۴ (مصطفوی، ۱۳۶۸ش، ج ۱۲، ص ۲۰۲)

به همین منظور با توجه به تعاریف و معانی مختلف واژه منافع می‌توان معنای عامی

۱. ضد الضر - كلمة تدلُّ على خلاف الضر.

۲. مَا يُسْتَعَانُ بِهِ فِي الْوُصُولِ إِلَى الْخَيْرَاتِ وَ مَا يُتَوَصَّلُ بِهِ إِلَى الْخَيْرِ فَهُوَ خَيْرٌ.

۳. الْخَيْرُ وَ هُوَ مَا يَتَوَصَّلُ بِهِ الْإِنْسَانُ إِلَى مَطْلُوبِهِ.

۴. أَنَّ الْأَصْلَ الْوَاحِدَ فِي الْمَادَّةِ: هُوَ الْخَيْرُ الْحَادِثُ يَتَحَصَّلُ لِلشَّيْءِ إِنْسَانًا أَوْ غَيْرِ إِنْسَانٍ وَ مَادِّيًّا أَوْ مَعْنَوِيًّا وَ يُقَابِلُهُ الضَّرَرُ.

برای آن در نظر گرفت که تمامی انواع خیر (که شامل خیر مادی و معنوی است) به عنوان مؤلفه ماهیتی این واژه، و نیل به اهداف و مقاصد انسان به عنوان مؤلفه کارکردی آن را در بر گیرد.

آرای مفسران درباره واژه «منافع»

با بررسی تفاسیر مختلف شیعه و اهل سنت درباره مراد از واژه «منافع» در آیه ۲۸ سوره حج می توان دسته بندی ای از نظرات گوناگون ارائه کرد:

۱. بخشی از مفسران در تفسیر واژه «منافع» به منفعت های دنیوی اشاره کردند: ابن قتیبه مراد از آن را «تجارت» دانسته (ابن قتیبه، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۲۴۹) که همان اثرگذاری اجتماع مسلمین در مکه بر دادوستدهای مالی آنجاست. طبری نیز به استناد اقوال مختلفی از ابن عباس و ابن جبیر مراد از آن را منافع تجاری و بازارهای مالی دانسته است. (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۷، ص ۱۰۸)
۲. برخی دیگر از مفسران در تفسیر آن صرفاً به منافع اخروی حج اشاره کرده اند: مقاتل بن سلیمان «اجر اخروی عمل به مناسک حج» را معنای این واژه ذکر کرده است. (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص ۱۲۳)
۳. بیشتر مفسران نیز معنایی اعم از منافع دنیوی و اخروی اتخاذ کرده اند: فیض کاشانی، بیضاوی و مغنیه معنای آن را منافع دینی و دنیایی دانسته (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۳۷۴؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۷۰، مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۵، ص ۳۲۳) و فخر رازی پس از اشاره به اقوال مختلف در مسئله معنای اعم را ترجیح داده است. (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۳، ص ۲۲۰) ابن عاشور علاوه بر ذکر ثواب اخروی حج به فواید دنیوی چنین اجتماعی نیز اشاره کرده است. (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۱۷، ص ۱۷۷) علامه طباطبایی نیز معنای آن را اعم از منافع دنیوی و اخروی دانسته است. (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۴، ص ۳۶۹)

میان این سه نظریه نظر سوم، که جمع بین منافع دنیوی و اخروی است، ارجح است. برای این انتخاب می‌توان دلایل زیر را ذکر کرد:

۱. دلیل ادبی: اطلاق واژه «منافع» و عدم تقیید آن به هر گونه منافع یا مصادیقی می‌تواند معنای عام آن را تأیید کند که علامه طباطبائی نیز به همین دلیل قول اعم را پذیرفته است. (همانجا)

۲. روایات تفسیری: وجود برخی احادیث اهل بیت علیهم‌السلام در تفسیر این آیه مؤید قابل قبولی برای اتخاذ این قول است. در روایتی از امام صادق علیه‌السلام ایشان در پاسخ به سؤال راوی به صراحت مراد از این منافع را اعم از منافع دنیوی و اخروی دانسته است.^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۴۲۲) همچنین در روایتی از امام رضا علیه‌السلام ایشان انواع منافع حج را ذکر کرده‌اند که در میان آنها منافع دنیوی به همراه منافع اخروی ذکر شده است.^۲ (شیخ صدوق، ۱۳۷۸ش، ج ۲، ص ۹۰)

البته گفتنی است در قرآن کریم هشت بار واژه «منافع» آمده است که غیر از آیه محل

۱. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضْلِ عَنِ الرَّبِيعِ بْنِ خُثَيْمٍ قَالَ: شَهِدْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَهُوَ يُطَافُ بِهِ حَوْلَ الْكَعْبَةِ فِي حِمْلٍ وَهُوَ شَدِيدُ الْمَرَضِ فَكَانَ كُلَّمَا بَلَغَ الرُّكْنَ الْيَمَانِي أَمَرَهُمْ فَوَضَعُوهُ بِالْأَرْضِ فَأَخْرَجَ يَدَهُ مِنْ كُوَّةِ الْمُحْمِلِ حَتَّى يَجْرَهَا عَلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَقُولُ ارْفَعُونِي فَلَمَّا فَعَلَ ذَلِكَ مَرَّارًا فِي كُلِّ شَوْطٍ قُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّ هَذَا يَشْقَى عَلَيْكَ فَقَالَ إِنِّي سَمِعْتُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ - لَيَشْهَدُوا مَنَافِعَ هُمْ، فَقُلْتُ مَنَافِعَ الدُّنْيَا أَوْ مَنَافِعَ الْآخِرَةِ فَقَالَ الْكُلَّ.

۲. وَ عَلَهُ الْحَجَّ الْوَفَادَةُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَ طَلَبُ الزِّيَادَةِ وَ الْخُرُوجُ مِنْ كُلِّ مَا افْتَرَفَ وَ لِيَكُونَ تَائِبًا مِمَّا مَضَى مُسْتَأْنِفًا لِمَا يَسْتَقْبِلُ وَ مَا فِيهِ مِنْ اسْتِخْرَاجِ الْأَمْوَالِ وَ تَعَبِ الْأَبْدَانِ وَ حَظَرِهَا عَنِ الشَّهَوَاتِ وَ اللَّذَاتِ وَ التَّقَرُّبِ بِالْعِبَادَةِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ الْحُضُوعِ وَ الْإِسْتِكَانَةِ وَ الدَّلِّ شَاخِصًا إِلَيْهِ فِي الْحَرِّ وَ النَّبَرْدِ وَ الْأَمْنِ وَ الْخَوْفِ دَائِبًا فِي ذَلِكَ دَائِمًا وَ مَا فِي ذَلِكَ لِجَمِيعِ الْخَلْقِ مِنْ الْمَنَافِعِ وَ الرَّغْبَةِ وَ الرَّهْبَةِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ مِنْهُ تَرْكُ قَسَاوَةِ الْقَلْبِ وَ جَسَارَةِ الْأَنْفُسِ وَ نِسْيَانِ الذِّكْرِ وَ انْقِطَاعِ الرَّجَاءِ وَ الْعَمَلِ [الْأَمَلِ] وَ تَجْدِيدِ الْحُقُوقِ وَ حَظَرِ النَّفْسِ عَنِ الْفَسَادِ وَ مُنْفَعَةٍ مَنْ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَ غَرْبِهَا وَ مَنْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ مِمَّنْ يَحْجُّ وَ مَنْ لَا يَحْجُّ مِنْ تَاجِرٍ وَ جَالِبٍ وَ بَائِعٍ وَ مُشْتَرٍ وَ كَاسِبٍ وَ مَسْكِينٍ وَ قَضَاءِ حَوَائِجِ أَهْلِ الْأَطْرَافِ وَ الْمَوَاضِعِ الْمُتَمَكِّنِ هُمْ الْجَمْعُ فِيهَا كَذَلِكَ لَيَشْهَدُوا مَنَافِعَ هُمْ.

بحث در جاهای دیگر ظهور در منافع دنیوی دارد و به منافع اخروی اشاره نمی‌کند. این ظهور در دیگر آیات اگرچه می‌تواند معنای عام در آیه محل بحث را با تردید روبه‌رو کند، ظهور یک واژه در آیه‌ای متفاوت قدرت اثبات همان معنا در آیه‌ای دیگر را ندارد؛ خصوصاً آنکه دلایل روایی قابل قبولی پشتوانه این معنای عام است.

نکره آمدن واژه «منافع»

در برخی منابع تفسیری، یکی از نکات درباره این آیه نکره آمدن واژه «منافع» است که مفسران وجوه مختلفی برای آن بیان کرده‌اند.

زمخشری و فخر رازی نکره آمدن این واژه را به دلیل اختصاص داشتن برخی منافع دینی و دنیوی به این عبادت دانسته‌اند که در دیگر عبادات وجود ندارد. (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۱۵۲؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۳، ص ۲۲۱) اشکوری آن را به دلیل کثرت این منفعت‌ها (اشکوری، ۱۳۷۳ش، ج ۳، ص ۱۸۰) و آلوسی به علت هم کثرت و هم بزرگداشت این منافع دانسته است. (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۹، ص ۱۳۸) همچنین طنطاوی افزون بر تکثیر و تعظیم، تعمیم را، که نشان از شمولیت منافع به موارد دنیوی و اخروی است، علت نکره آمدن منافع ذکر کرده است. (طنطاوی، ۱۹۹۷م، ج ۹، ص ۳۰۳)

مصادیق «منافع» فریضه حج

برخی روایات و البته شماری از مفسران به مصادیق منافع حج و نیز گستره افرادی که این منافع شامل حال آنها می‌شود اشاره کرده‌اند.

در روایتی از امام رضا (ع) که در بخش قبلی بیان شد، توبه و تقرب الی الله و خضوع در برابر او منافع اخروی، و منافع اقتصادی و برآوردن حوایج مردم منافع دنیوی حج ذکر شده است. (شیخ صدوق، ۱۳۷۸ش، ج ۲، ص ۹۰)

از مفسران قرآن سیوطی از قول ابن عباس رضوان الهی را منفعت اخروی، و استفاده

از گوشت قربانی و تجارت را از منافع دنیوی حج شمرده است. (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۳۵۶) طبرسی نیز از قول امام باقر (علیه السلام) عفو و مغفرت را از منافع اخروی حج دانسته است. (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۷، ص ۱۲۹)

برخی دیگر از مفسران، همچون سید قطب، علت منفعت دنیوی را اجتماع عظیم مسلمانان و سودآور بودن تجارت میان ملل مختلف اسلامی دانسته‌اند که موسم حج را افزون بر موسم عبادت به موسم تجارت نیز تبدیل می‌کند. (سید قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۴، ص ۲۴۱۹) برخی دیگر از مفسران به شرح بیشتری از مصادیق دو منفعت پرداخته‌اند. علامه طباطبایی با ذکر اقسام این منافع ابتدا به منفعت دنیوی آن اشاره می‌کند و می‌گوید:

زندگی آدمی را صفا می‌دهد و حوایج گوناگون او را برآورده، نواقص مختلف آن را برطرف می‌سازد؛ مانند تجارت، سیاست، امارت، تدبیر و اقسام رسوم و آداب و سنن و عادات و انواع تعاون و یاری‌های اجتماعی و غیر آن معلوم است که وقتی اقوام و امت‌های مختلف از مناطق مختلف زمین با همه تفاوت‌ها- که در انساب و رنگ و سنن و آداب آنها هست- در یک جا جمع شده و سپس یکدیگر را شناختند و معلوم شد که کلمه همه واحد و آن کلمه حق است و معبود همه یکی است و او خدای عز وجل است و وجهه همه یکی است و آن کعبه است، این اتحاد روحی آنها به اتحاد جسمی و آن وحدت کلمه ایشان را به تشابه در عمل می‌کشاند. این از آن دیگری آنچه می‌پسندد، می‌آموزد و آن دیگری نیز خوبی‌های این را می‌گیرد و این به کمک آن می‌شتابد و در حل مشکلات آن قوم کمر می‌بندد و به اندازه مقدور خود یاری‌اش می‌دهد در نتیجه جامعه‌های کوچک به صورت یک جامعه بزرگ مبدل می‌شود. آن وقت نیروهای جزئی نیز به نیروی کلی مبدل می‌شود که کوه‌های بلند هم در مقابل آن نمی‌تواند مقاومت کند و هیچ دشمن نیرومندی حریف آن نمی‌شود. (طباطبایی، ۱۳۹۰ش، ج ۱۴، ص ۳۷۰)

علامه طباطبایی درباره منفعت اخروی نیز به تفصیل می‌گوید:

نوع دوم از منافع، منافع اخروی است که همان وجود انواع تقرب‌ها به سوی خداست. تقرب‌هایی که عبودیت آدمی را مجسم سازد و اثرش در عمل و گفتار آدمی هویدا گردد و عمل حج با مناسکی که دارد انواع عبادت‌ها و توجه به خدا را شامل و متضمن است؛ چون مشتمل است بر ترک تعدادی از لذایذ زندگی و کارهای دنیایی و کوشش‌ها برای دنیا و تحمل مشقت‌ها و طواف پیرامون خانه او و نماز و قربانی و انفاق و روزه و غیر آن. (همان، ص ۳۷۱)

مبحث دیگری که در مصادیق این منافع بررسی شدنی است، گستره افرادی است که می‌توانند شامل این منافع شوند؛ به عبارت دیگر آیا این منفعت‌ها صرفاً حج‌گزاران را در بر می‌گیرد یا دیگر مردم - حتی اگر حاجی نمی‌شوند - را نیز شامل می‌شود؟

آنچه از متن آیه مشخص است واژه «لهم» پس از واژه «منافع» است ﴿لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ﴾ (حج، ۲۸) که در مقام بیان این مطلب است که برای حاجیان منفعی از ادای فريضه حج وجود دارد؛ اما به معنای انحصار چنین منفعتی بر حاجیان نیست و می‌توان قدر متیقن، منافع دنیوی حج را شامل حال غیر حاجیان نیز دانست. البته روشن است که از چنین آیه‌ای نمی‌توان منفعت بر غیر حاجیان را اثبات کرد.

در همین زمینه بررسی روایت ذکرشده از امام رضا (ع) نشان می‌دهد ایشان در بخشی از روایت، منافع حج را علاوه بر حاجیان شامل غیر حاجیان نیز دانسته است.^۱ (شیخ صدوق، ۱۳۷۸ ش، ج ۲، ص ۹۰) همچنین برخی مفسران، همچون صادقی طهرانی، بر اساس برخی آیات قرآن همچون آیه ﴿وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا﴾^۲ (بقره: ۱۲۵) و آیه ﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِّلنَّاسِ لِلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ﴾^۳ (آل عمران، ۹۶)، چنین

۱. وَ مَنَفَعَةٌ مِّنْ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَ غَرْبَهَا وَ مَن فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ مِمَّنْ يَحُجُّ وَ مِمَّنْ لَا يَحُجُّ.

۲. [به خاطر بیاورید] هنگامی که خانه کعبه را محل بازگشت و مرکز امن و امان برای مردم قرار دادیم

۳. نخستین خانه‌ای که برای مردم [و نیایش خداوند] قرار داده شد همان است که در سرزمین مکه است که پربرکت و مایه هدایت جهانیان است

منافعی از حج را نه فقط شامل حج‌گزاران بلکه همه مسلمانان و حتی غیر مسلمانان نیز می‌دانند. (صادقی طهرانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲۰، ص ۶۴)

نتیجه‌گیری

۱. ریشه «ن ف ع» و مشتقات آن دو مؤلفه ماهیتی و کارکردی دارد؛ به همین جهت می‌توان تمامی انواع خیر (که شامل خیر مادی و معنوی است) را مؤلفه ماهیتی این واژه، و نیل به اهداف و مقاصد انسان را مؤلفه کارکردی آن در نظر گرفت.

۲. سه دسته نظر درباره معنای واژه «منافع» وجود دارد: برخی مفسران معنای آن را منحصر در منافع اخروی، برخی منحصر در منافع دنیوی، و برخی دیگر نیز اعم از آن دانسته‌اند.

۳. با توجه به دلایل ادبی، یعنی اطلاق واژه منافع، و نیز وجود برخی روایات اهل بیت علیهم‌السلام می‌توان قول شمولیت را ترجیح داد. بخشی از این روایات به صراحت به اعم بودن معنای منافع اشاره، و برخی دیگر نیز مصادیقی بیان کرده‌اند که نشان از اعم بودن معنای آن است.

۴. واژه منافع به صورت نکره آمده که مفسران وجوهی - همچون اختصاص این منافع به حج، کثرت منافع، بزرگداشت آن و نیز عمومیت داشتن این منافع - را برای آن برشمرده‌اند.

۵. مصادیق منافع حج در برخی احادیث و کلام مفسران آمده است. درباره منافع اخروی می‌توان به رضوان الهی و مغفرت او اشاره کرد. بازارهای مالی و رفع مشکلات مردم، که با اجتماع عظیم در ایام حج ایجاد می‌شود، نیز از منافع دنیوی حج است.

۶. آیه ۲۸ سوره حج این منافع را برای حاجیان دانسته است؛ لذا از این آیه نمی‌توان چنین منافعی را برای غیر حاجیان اثبات کرد؛ اما برخی روایات و البته واقعیات خارجی نشان می‌دهد که حداقل می‌توان منافع دنیوی را شامل همه مردم حتی غیر حاجیان دانست.

- * قرآن کریم، ترجمہ آیت اللہ العظمیٰ مکارم شیرازی
۱. ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰ق)، تفسیر التحریر و التنویر، بیروت، مؤسسة التاریخ العربی.
 ۲. ابن فارس، أحمد بن فارس (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، قم، مكتب الإعلام الإسلامی.
 ۳. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم (۱۴۱۱ق)، تفسیر غریب القرآن، بیروت، دار و مكتبة الهلال.
 ۴. اشكوری، محمد بن علی (۱۳۷۳ش)، تفسیر شریف لاهیجی، تهران، دفتر نشر داد.
 ۵. آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت، دار الكتب العلمية.
 ۶. بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق)، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
 ۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دار القلم.
 ۸. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، بیروت، دار الكتب العربی.
 ۹. سید قطب، (۱۴۲۵ق)، التصویر الفنی فی القرآن، بیروت، دار الشروق.
 ۱۰. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴ق)، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
 ۱۱. شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۸ش)، عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، تصحیح مهدی لاجوردی، تهران، جهان.
 ۱۲. صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶ق)، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، قم، فرهنگ اسلامی.
 ۱۳. طباطبائی، محمدحسین (۱۳۹۰ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
 ۱۴. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو.
 ۱۵. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار المعرفة.
 ۱۶. طنطاوی، محمد سید (۱۹۹۷م)، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، قاهره، نهضة مصر.
 ۱۷. فخر رازی، محمود بن عمر (۱۴۲۰ق)، التفسیر الکبیر، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
 ۱۸. فراهیدی، خلیل بن أحمد (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، قم، هجرت.

١٩. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (١٤١٥ق)، تفسیر الصافی، تهران، مکتبة الصدر.
٢٠. فیومی، أحمد بن محمد (١٤١٤ق)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، قم، مؤسسة دار الهجرة.
٢١. کلینی، محمد بن یعقوب (١٤٠٧ق)، الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامية.
٢٢. مصطفوی، حسن (١٣٦٨ش)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
٢٣. مغنیه، محمد جواد (١٤١٢ق)، تفسیر الکاشف، قم، دار الکتب الإسلامية.
٢٤. مقاتل بن سلیمان (١٤٢٣ق)، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت، دار إحياء التراث العربی.

